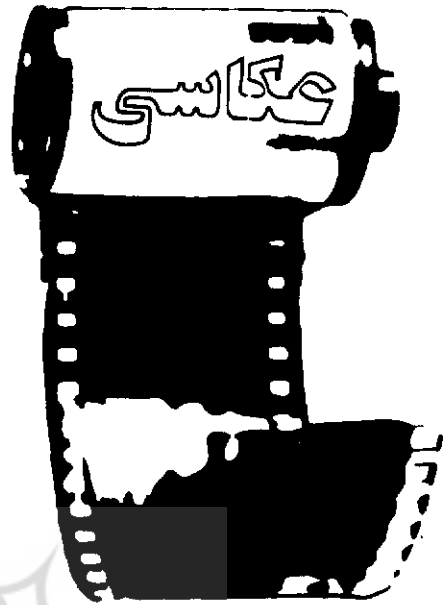


در گذر پرشتاب زندگی، در لحظه‌های
خسته و کشدار، دویدن‌ها و ایستادن‌ها، در
چهارحصاری پرازدحام شهرها، لختی
اندیشیدن، به کوه، به آب، به چشمه، دمی به
خیال آسوده زیستن در خلوت دشتی آرام،
شاید که پنداری به شکنندگی خواب، به
رویای قصه‌ای بیش نباشد.

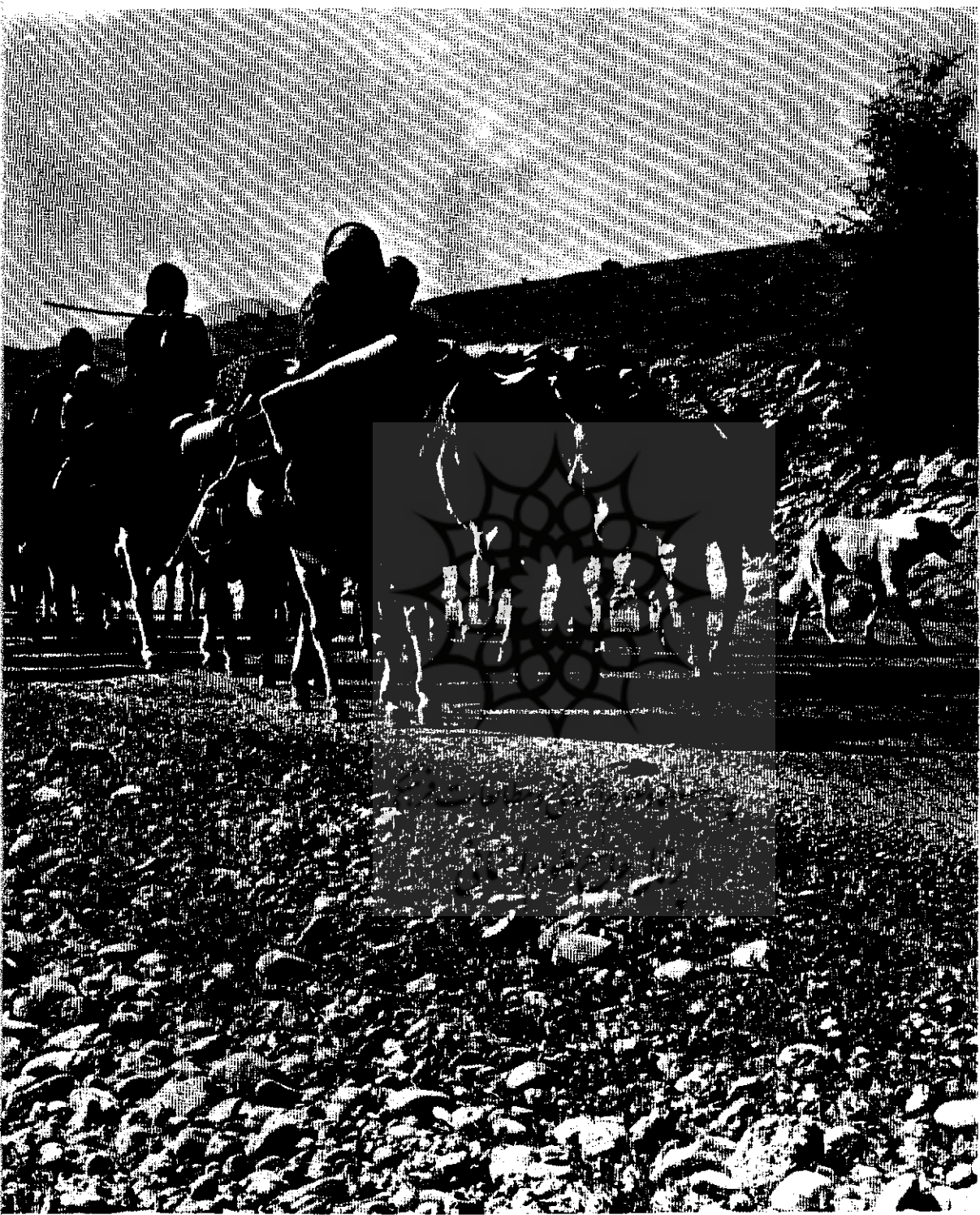
اما در آن سو، در انتهای تن قیرگونه
جاده‌ها، در عربانی خاک، در فراخی دشت،
روایت تازه‌ای از زندگی، از عاطفه و مهر، از
پاکی و صداقت آغاز می‌شود، جایی که آبها
به سخاوت روانند، چشمه‌ها بی دریغ در تب و
تاب جوشیدن و دشت‌ها سبز.

آنجا که در بناه سراسر بکرنگی و صفای
چادری سیاه، در چهارچوب خنکای کلبه‌ای
نئین، در سایه سبز تک درختی در دل دشت،
در انس سراسر لطف آرمیدن به روی خاک و
چشم دوختن به سقف پرستاره آسمان شب در
سلام گرم و امیدبخش به خورشید صبح، در
پرواز بی خیال پرندگان در آبی آسمان، در
کاشتن، سبز کردن در رهپیمودن گله‌ای به
پیشانی کوه وقت سحر، در بوی هیزم‌های
سوخته، در عطر چاشنی گرم، زندگی روایت
دیگری دارد، روایتی از مهر، قصه‌ای از صفا.
با سبزه زیستن، با روئیدن خوگرفتن، به
شوق دیدار بهار از دشتی به دشت دیگر
رهپیمودن، دل‌کندن از زمینی، دل‌بستن به
زمینی دیگر، حکایت، حکایت کوچ است،
سرود رفتن است و یافتن، سفری به شوق دیدار
با سبزه و گل و گیاه، با آب با آفتاب.



حکایت حکایت کوچ است









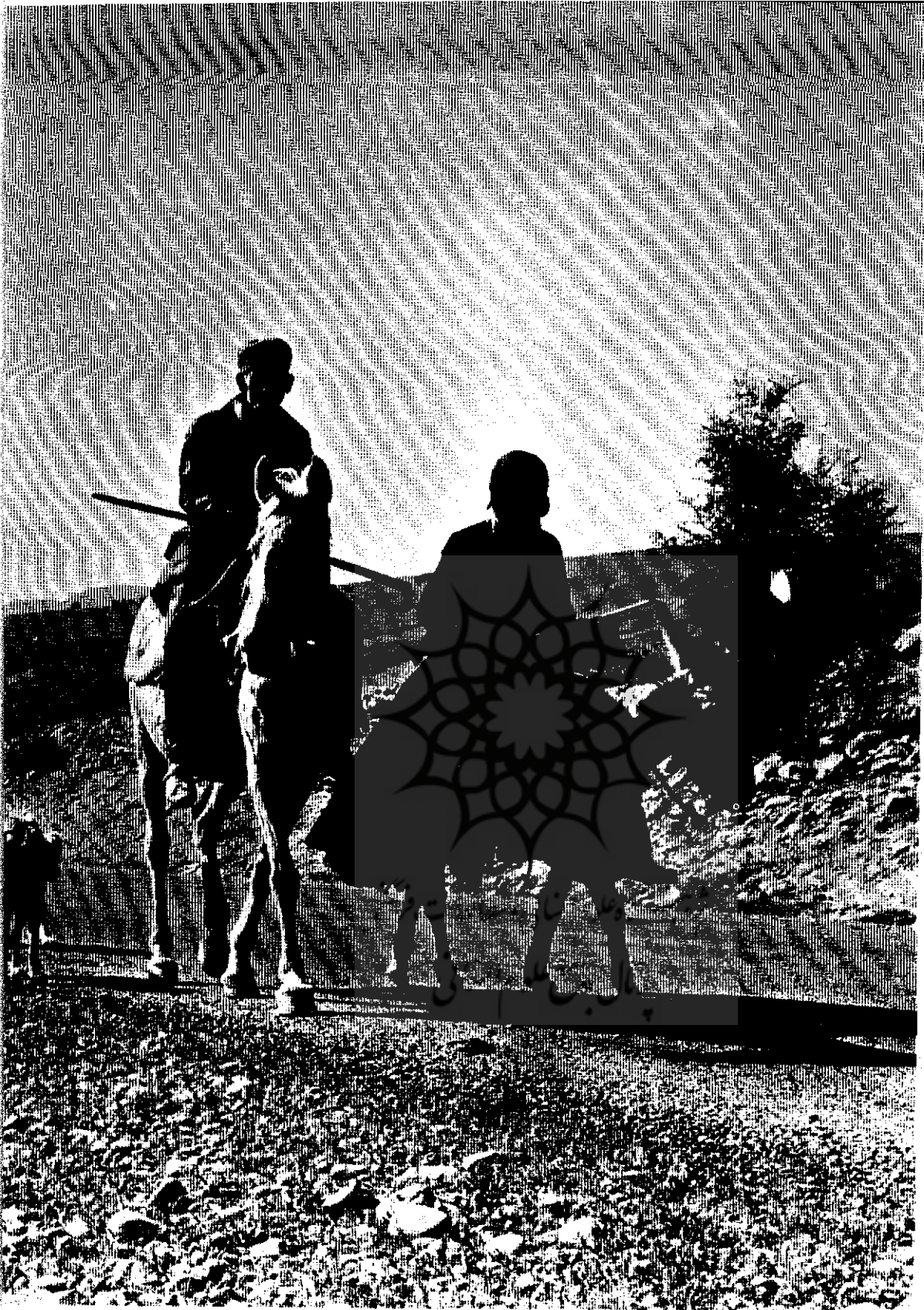


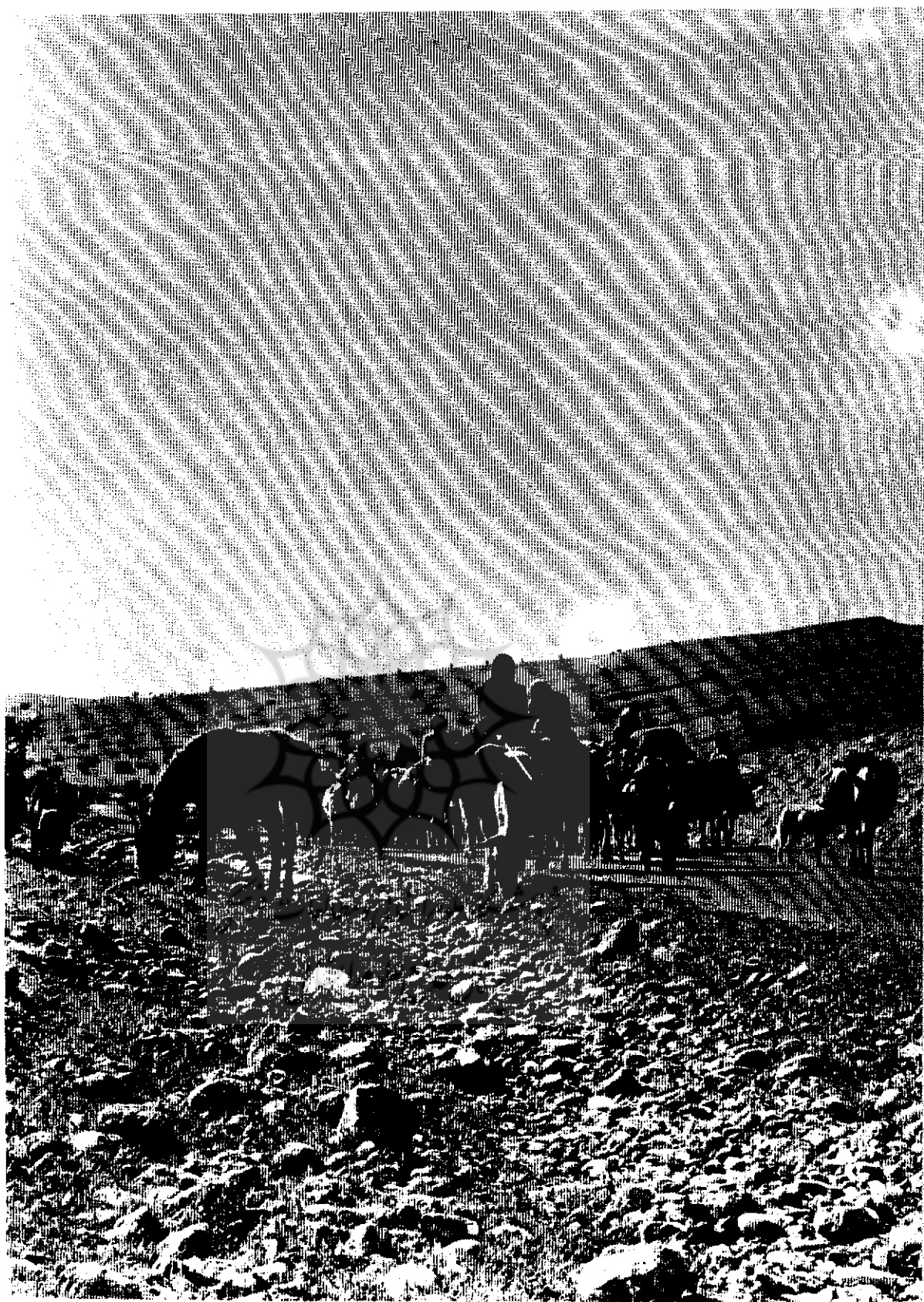


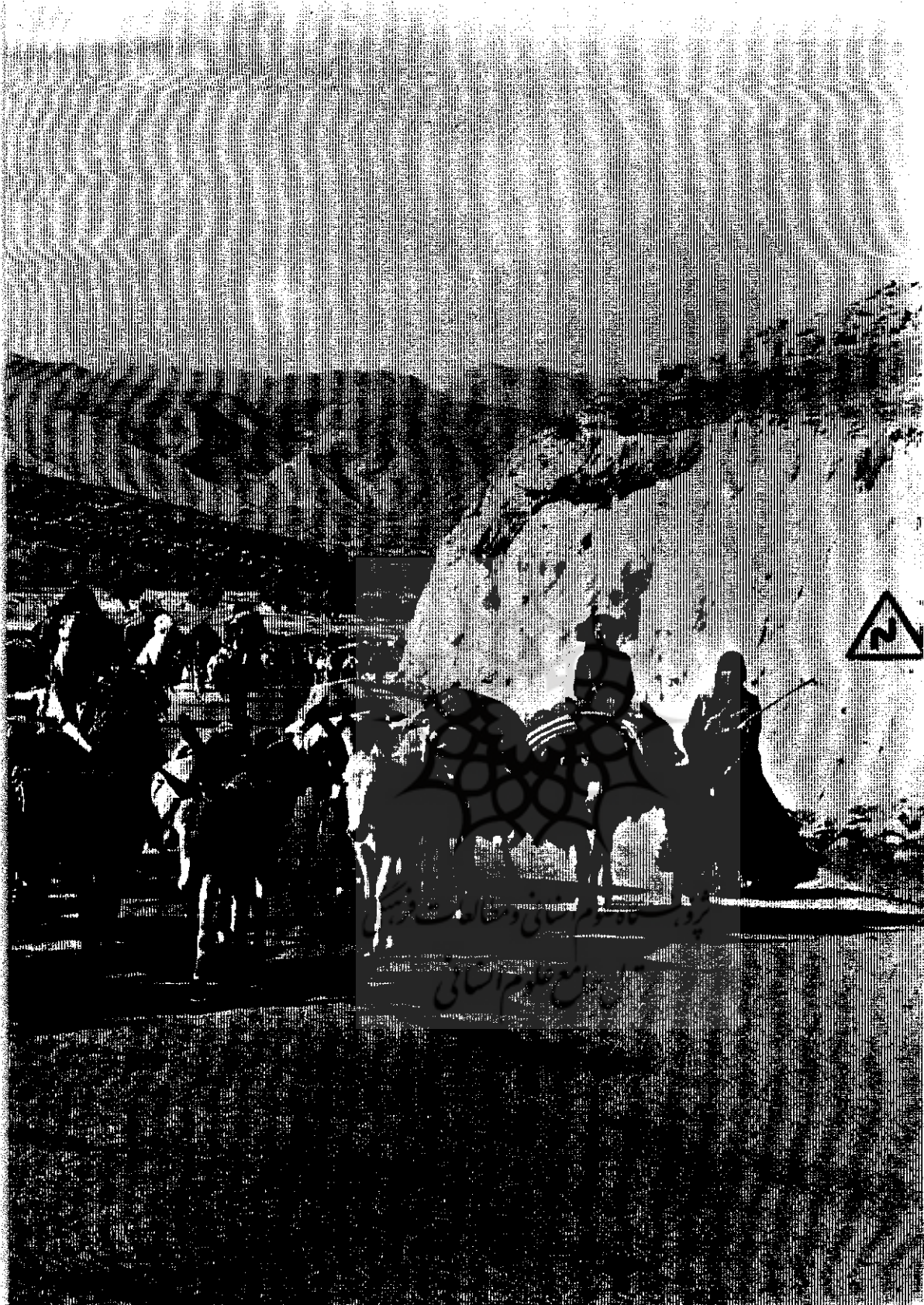
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

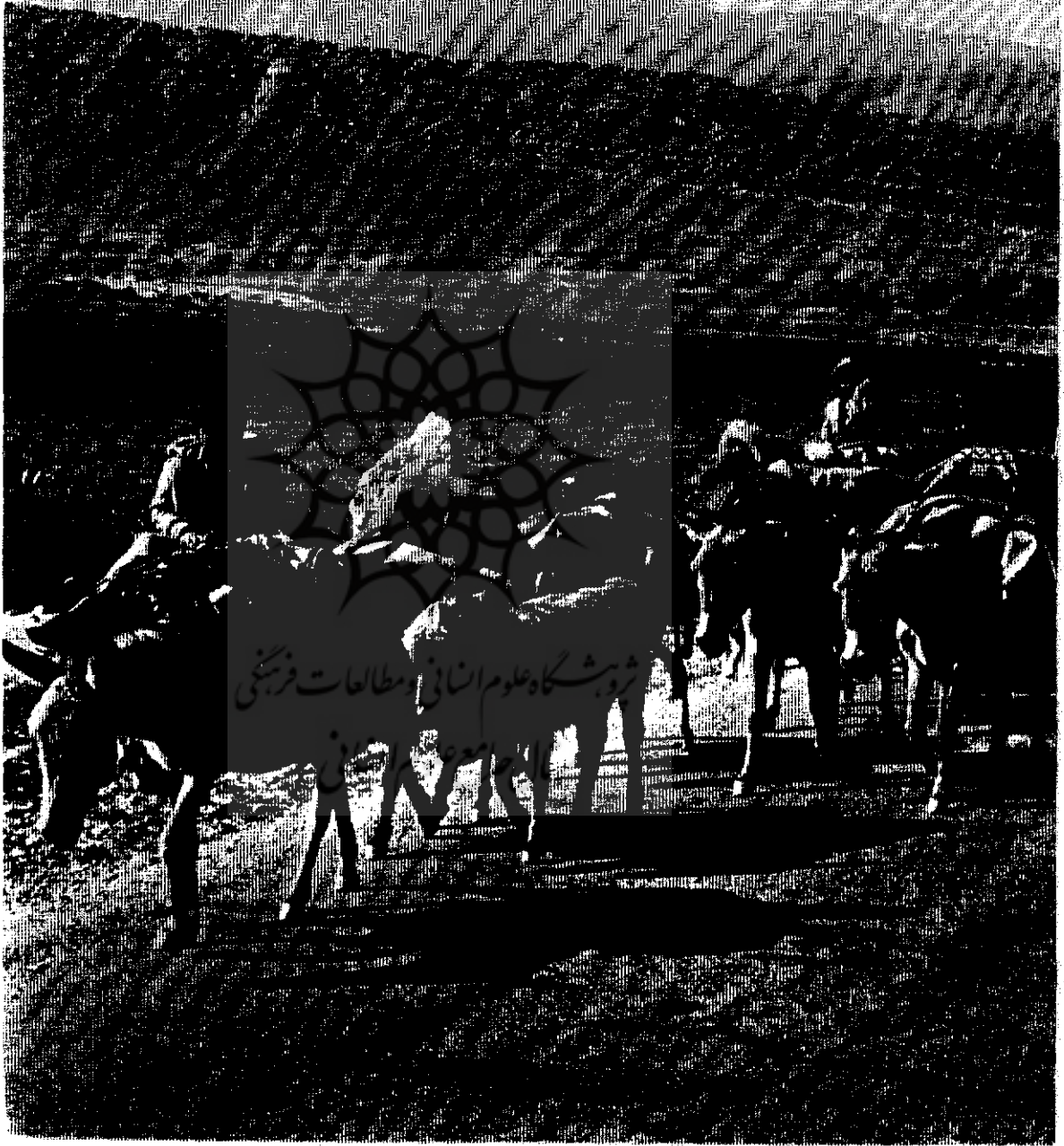


پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



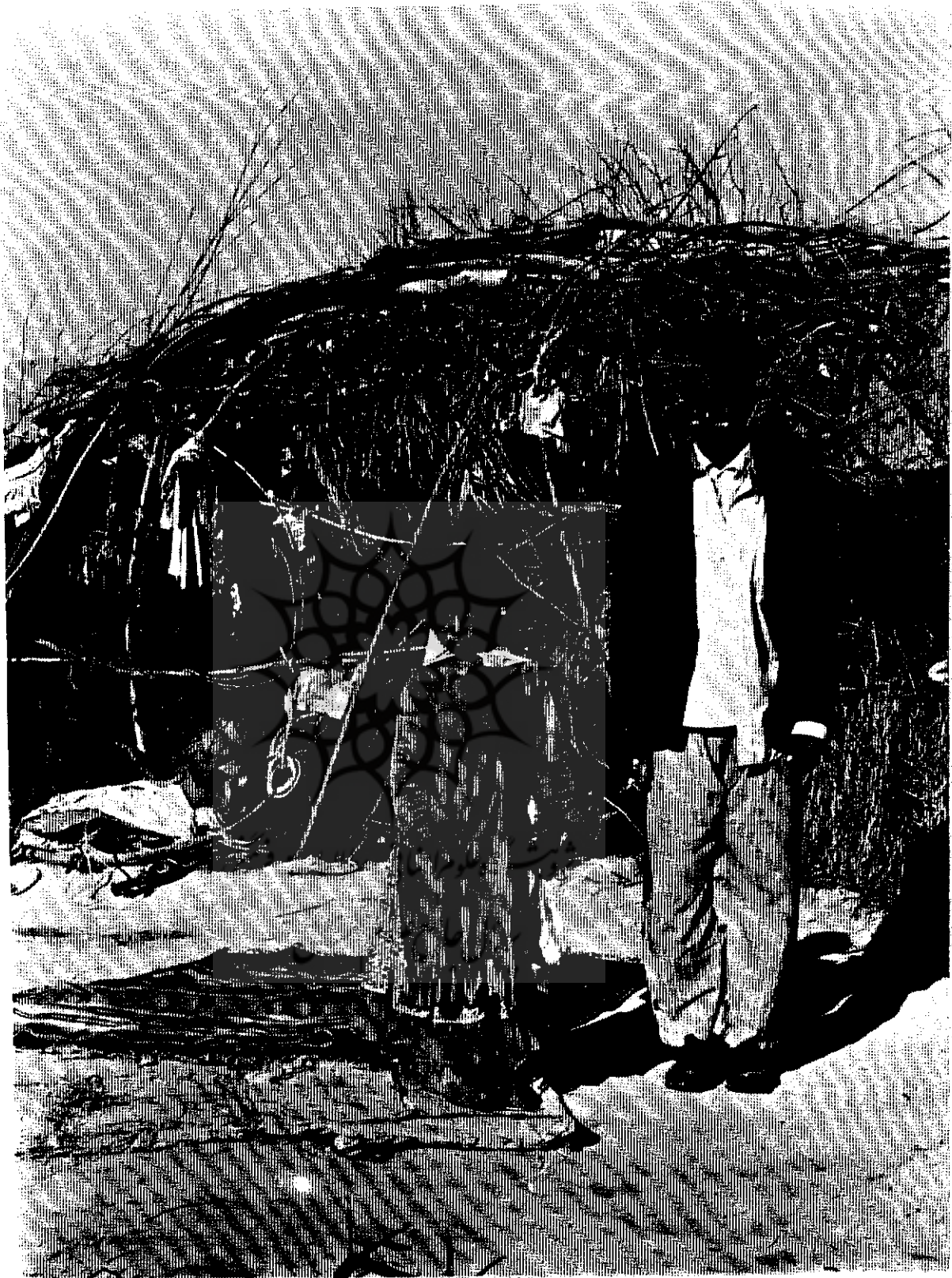




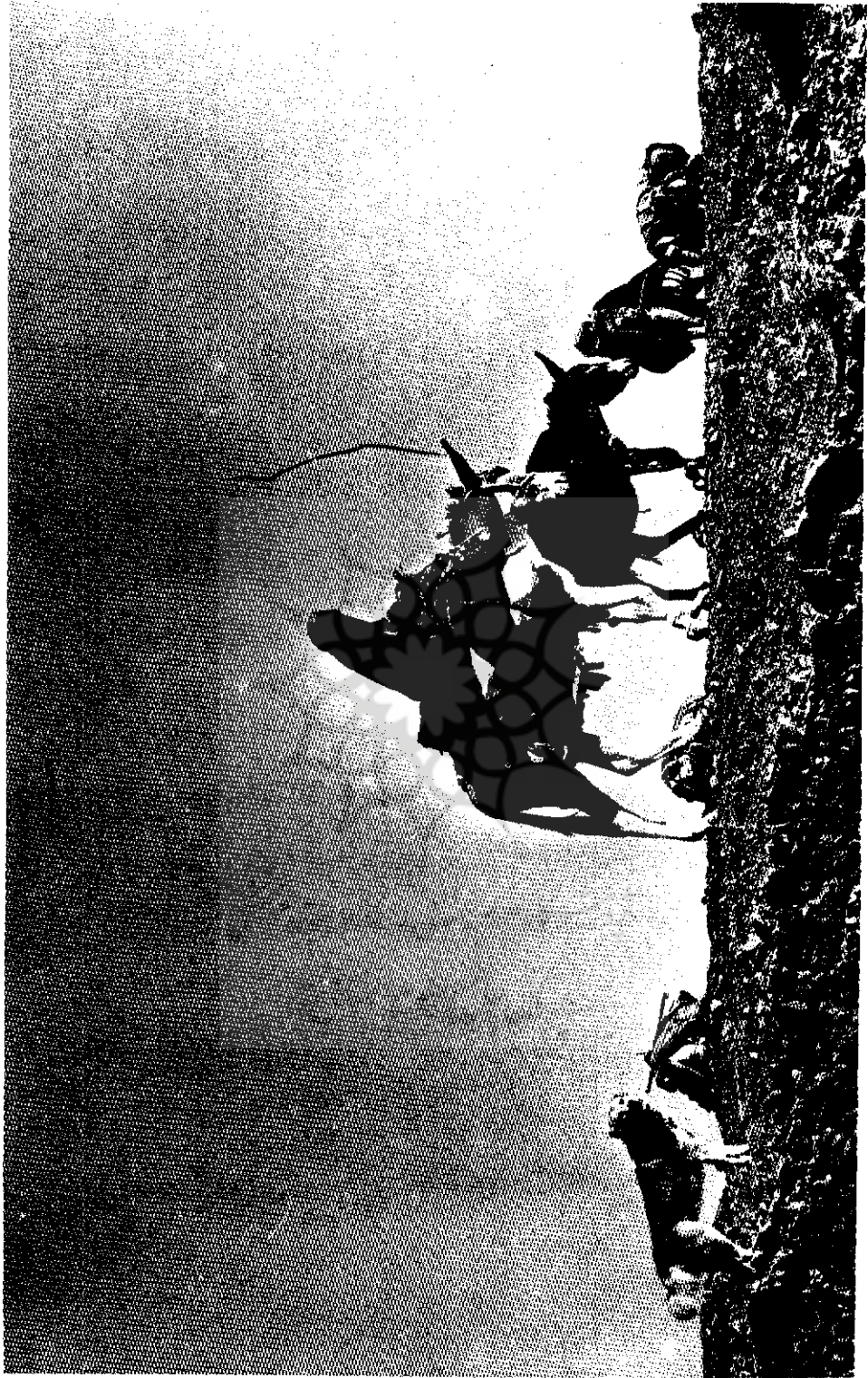


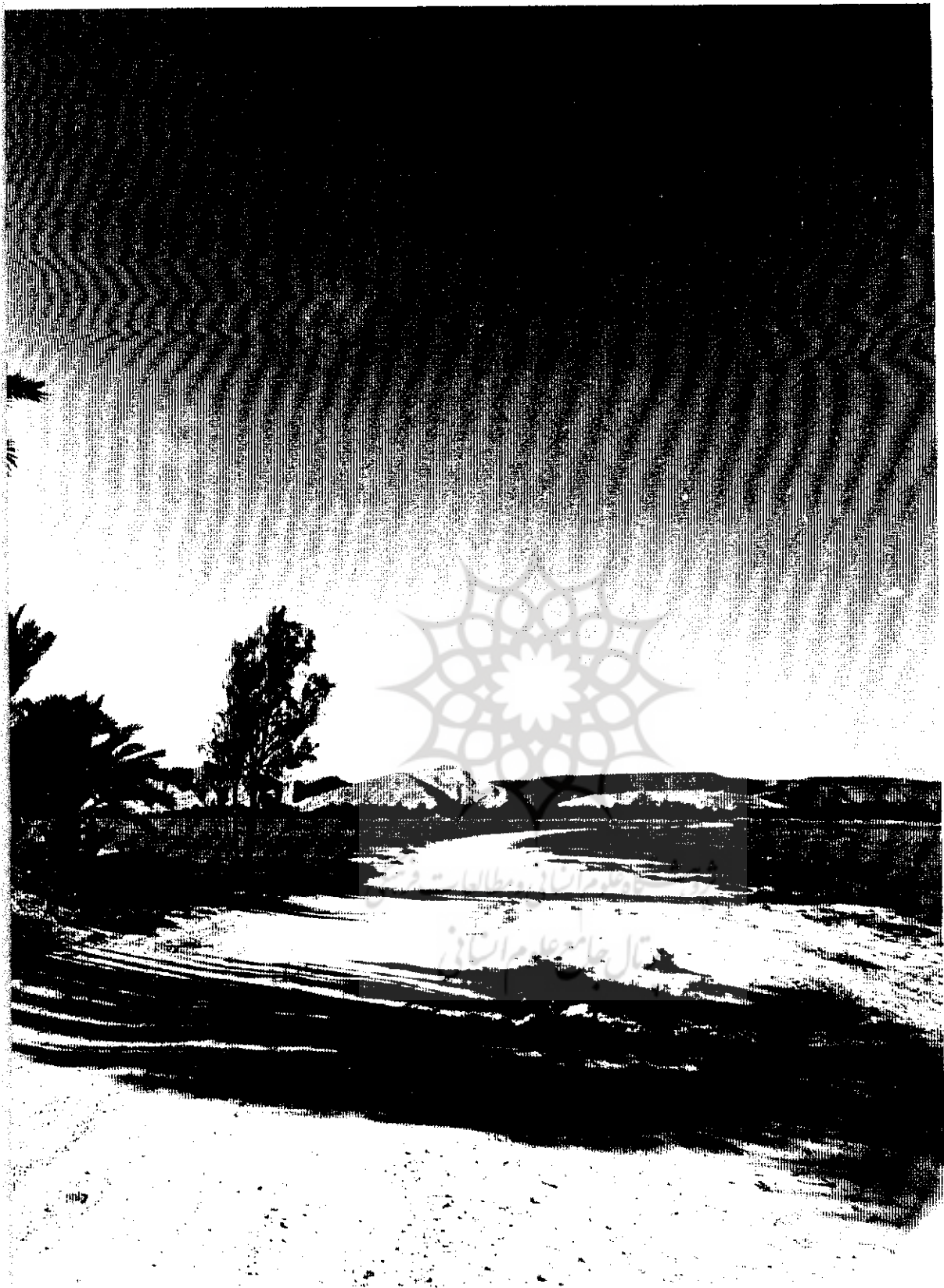
شهرستان کوهgilو بوئین
موسسه مطالعات فرهنگی













پوشش‌های بیابان و مناطق فرسایشی
برگرفته از کتاب علم و فن







پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رساله جامع علوم انسانی

